

ارزیابی فنی سامانه‌های آبیاری قطره‌ای (مطالعه‌ی موردی: شهرستان سرپاز)

حلیمه پیری^{۱*}

تاریخ دریافت: ۹۰/۸/۲۰ تاریخ پذیرش: ۹۱/۱/۳۰

چکیده

محدودیت منابع آبی در شرایط آب و هوایی ایران، مشکل اصلی در راه افزایش تولید محصولات کشاورزی می‌باشد. روشهای آبیاری قطره‌ای به لحاظ توان مطلوب در توزیع آب با بازدهی بالا راه حلی مناسب برای بهره‌وری بهینه از منابع آبی است. در این تحقیق، ۸ سامانه‌ی آبیاری قطره‌ای در شهرستان سرپاز مورد ارزیابی قرار گرفتند و فراسنجهای ضریب یکنواختی (CU)، یکنواختی توزیع (DU)، بازدهی توان کاربرد (PELQ)، بازدهی واقعی کاربرد (AELQ)، یکنواختی انتشار آب قطره چکانها (EU) و حداکثر اختلاف فشار در چندراهه‌ها، به ترتیب ۹۳/۳۱، ۸۹/۵۱، ۶۸/۶۶، ۷۲/۶، ۷۶/۵ و ۴۲/۸۵ درصد محاسبه شدند. همچنین، برای تجزیه و تحلیل بهتر منحنی تغییرات بدهی قطره چکانها در طول لوله‌های جانبی واقع بر چندراهه‌ی مورد آزمایش سامانه ترسیم گردید. در سامانه‌ی AW1 آبیاری بیش از حد نیاز صورت گرفته و در نتیجه تلفات عمقی آب در سامانه وجود داشت. در حالی که در بقیه سامانه‌ها مقدار آب آبیاری به مراتب کمتر از نیاز آبی بوده، و در نتیجه عملاً کم آبیاری ناخواسته صورت می‌گرفت. بطور کلی می‌توان گفت که مشکل عمده‌ی سامانه‌های آبیاری قطره‌ای در شهرستان سرپاز کم بودن سطح خیس شده، نامناسب بودن عمق آب آبیاری، نامناسب بودن فشار و توزیع غیریکنواخت آن، و پایین بودن دانش و مهارت کاربران سامانه‌های آبیاری قطره‌ای می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: آبیاری قطره‌ای، یکنواختی توزیع، بازدهی توان، بازدهی واقعی، یکنواختی پخش آب

^۱ - مربی، عضو هیات علمی دانشگاه زابل، گروه مهندسی آب

* - نویسنده مسئول: H_piri2880@yahoo.com

مقدمه

به سامانه های آبیاری نواری و جویچه ای بود. پایینترین یکنواختی توزیع نیز مربوط به آبپاشهای متحرک دستی، و نیز سامانه ی آبیاری گیاهان ردیفی بود. بین یکنواختی توزیع سامانه ی آبیاری (گیاهان دایمی)، و خصوصیات سامانه نظیر سن ، مساحت آبیاری شده و میزان بده ی افشانکها ارتباطی مشاهده نشد. نتایج نشان دادند که متوسط یکنواختی توزیع در سامانه های خرد آبیاری مشابه سامانه های دیگر است. این مسأله مخالف باور و اعتقاد رایج است که سامانه های خردآبیاری یکنواختی توزیع بسیار بالاتری را از سامانه های دیگر دارند. به هر حال، در ۳۸ درصد از سامانه ها یکنواختی توزیع از ۸۰ درصد بالاتر بوده است. این مسأله نشان می دهد که یکنواختی های توزیع بالاممکن است به علت طراحی و مدیریت مناسب سامانه های خرد آبیاری باشد، اما با توجه به این که بیشتر سامانه های مورد ارزیابی یکنواختی توزیع کمتر از ۸۰ درصد داشتند، لذا نتیجه گرفته شد که احتمالاً تنظیم نادرست فشار، و نیز طراحی ضعیف سامانه های خرد آبیاری، می تواند یکنواختی را تا ۸۰ درصد افزایش دهد.

سلامت منش (۱۹۹۶) پنج سامانه آبیاری قطره ای را در سطح استان سمنان از نظر طراحی ، اجرا و مدیریت بهره برداری مورد ارزیابی قرار داد. فراسنجهای ارزیابی بر اساس دستورالعمل اداره ی حفاظت خاک آمریکا (SCS) اندازه گیری و طرحها مطابق ضوابط طراحی تنظیم شدند. یکنواختی ریزش و بازده ی توان کاربرد آب برای هر طرح

محدودیت منابع آبی در شرایط آب و هوایی ایران مشکل اصلی در راه افزایش تولید محصولات کشاورزی می باشد، لذا، استفاده ی بهینه از آب به عنوان محور اصلی توسعه در برنامه های دولت مورد توجه قرار گرفته است. روشهای آبیاری قطره ای به لحاظ توان مطلوب در توزیع آب با بازده ی بالا یک راه حل مناسب جهت استفاده بهینه از منابع آب می باشند ، به شرطی که انتخاب ، طراحی، اجرا، و بهره برداری سامانه ی آبیاری قطره ای با دقت کافی و بطور اصولی انجام گیرد. لذا، در راستای گسترش کمی بایستی کیفیت طرحها نیز مورد توجه قرار گیرد، و با ارزیابی طرحهای اجرا شده ی موجود ، عوامل ارزیابی نظیر یکنواختی توزیع ، بازده های توان و واقعی کاربرد آب اندازه گیری، و نحوه ی عملکرد سامانه مشخص گردد و با ارائه ی راه حلهای ساده درجهت رفع نواقص ، گامهای مؤثری برداشته شود تا سامانه های موجود با حداکثر توان مورد بهره برداری قرار گیرند. از طرفی، راهبردهایی جهت توسعه ی اصولی آبیاری قطره ای در منطقه معرفی گردند.

هانسون و همکاران(۱۹۹۵) در تحقیقی تحت عنوان کاربرد سامانه های خرد آبیاری در مزرعه داده های مربوط به ۹۵۹ ارزیابی آزمایشگاهی در مورد سامانه های مختلف را بررسی کردند. نتایج حاکی از این بودند که متوسط توزیع آب در سامانه های خرد آبیاری از دیگر سامانه ها بیشتر نبود. بهترین یکنواختی توزیع آب مربوط

حدود ۲۸۰۰ متر مکعب در هکتار در مصرف آب صرفه جویی شده و تراکم بوته‌ها در این روش نسبت به روش شیاری به صورت معنی داری بالاتر بوده است، که نمایانگر مدیریت بهتر در استقرار آنها می‌باشد. عملکرد ریشه در روش رایج نسبت به شیاری کمتر بوده که از عوامل این کاهش می‌توان به غیر یکنواختی بدهی قطره چکانها در نقاط مختلف مزرعه به علت گرفتگی، و یا تغییرات فشار در داخل لوله‌ها و کیفیت بد نوارهای شبکه‌ی رایج اشاره نمود. سهرابی و همکاران (۲۰۱۰) به ارزیابی سامانه‌های آبیاری تحت فشار در شبکه‌ی آبیاری قزوین پرداختند. نتایج نشان دادند که در برخی سامانه‌های آبیاری قطره‌ای بازدهی ۱۰۰ درصد حاصل گردید، که دلیل آن نبود هیچ گونه تلفات در سامانه می‌باشد. برادران هزاوه (۲۰۰۵) ۶ سامانه‌ی آبیاری قطره‌ای اجرا شده در شهرستان اراک را مورد ارزیابی قرار داد. وی فراسنجهای AELQ, PELQ, DU و CU را برای طرحهای مزبور به ترتیب ۵۷، ۷۸، ۸۵ و ۵۹ درصد ارزیابی کرد. نامبرده مشکلات اصلی طرحهای آبیاری قطره‌ای اجرا شده در شهرستان اراک را ناشی از عدم دقت در طراحی، اجرا و مدیریت، نگهداری نامطلوب سامانه‌ها، و به کار بردن وسایلی با کیفیت نامناسب عنوان کرد. توماس و همکاران (۲۰۰۳) تحقیقی تحت عنوان ارزیابی سامانه‌های آبیاری در ایالت واشینگتن، و با هدف تعیین میزان کاربرد آب با در نظر گرفتن محدودیتهای طراحی و صرفه جویی در مصرف آب انجام دادند. در این تحقیق، که

محاسبه گردید که متوسط یکنواختی پخش در سامانه‌های مورد ارزیابی از ۵۷/۲ درصد تا ۸۱/۷ درصد متغیر بوده است. ملکی نژاد و همکاران (۲۰۱۰) ارزیابی عملکرد سامانه‌های آبیاری قطره‌ای در شهر یزد را انجام دادند. نتایج نشان داد که کارایی مصرف آب در روشهای قطره‌ای بیشتر از روشهای سطحی بوده است. میزان شوری در سامانه‌های مورد بررسی بالا بوده که بایستی با طراحی درست و مدیریت صحیح سامانه آبیاری قطره‌ای خطر ناشی از شوری را کاهش داد. حسن لی و سپاسخواه (۲۰۰۰) ارزیابی سامانه‌های آبیاری قطره‌ای داراب را انجام دادند، نتایج نشان دادند که ضریب یکنواختی در باغهای مورد مطالعه از ۴۰ تا ۹۱ درصد، دامنه‌ی تغییرات بازدهی کاربرد چارک پایین از ۳۱ تا ۸۲ درصد و بازدهی بالقوه چارک پایین از ۳۶ درصد تا ۸۲ درصد متغیر بوده است. مجموعه‌ی بررسیها نشان داد که باغداران از میزان واقعی آب مورد نیاز مرکبات اطلاعی نداشتند. باغهایی که به مراتب بیش از حد نیاز آبیاری می‌شدند، ضریب پخش یکنواختی خوبی داشتند، ولی به دلیل تلفات فاحش در حداقل فشار ورودی لوله‌های جانبی در چندراهه‌ها دارای بازدهی کاربرد آبیاری پایینی بودند.

سالمی و نیکویی (۲۰۰۱) مطالعه‌ای را با هدف ارزیابی و مقایسه‌ی فنی-اقتصادی روشهای آبیاری قطره‌ای رایج و شیاری برای محصول چغندر قند آغاز نمودند. نتایج سال اول نشان می‌دهند که در روش آبیاری قطره‌ای رایج

ریزی در مورد مشکلات پیدا شده و راه حل‌های ممکن برای رفع آنها، و همچنین بهبود بازدهی کاربرد آب نشان داده شد. از جمله نتایج قابل بررسی مزبور یکنواختی خوب سامانه های آبیاری موضعی در منطقه بوده است. یکنواختی انتشار در زیر واحد آزمایشی ۸۴٪، و در کل سامانه ۸۲٪ بود، اما بین نواحی مورد آزمایش و محصولات کشاورزی آبیاری شده اختلافاتی ظاهر شد. مشکلات اصلی پیدا شده اغلب به علت فشار پایین کارکرد گزارش شده است. این موضوع به دلایل متفاوتی ایجاد می شود که مهمترین آنها عبارتند از: بازدهی پایین ایستگاه آبکشی و شبکه های توزیع، عدم شستشوی صافیها و تلفات زیاد.

کریم زاده و علیزاده (۲۰۰۱) گزارش کردند که استفاده از سامانه ی آبیاری قطره ای میکرو و با مقادیر مصرفی بسیار کمتر آب در مقایسه با سامانه های نشتی و حتی بارانی محصول قالب توجهی را نتیجه می دهد. ال جمال و همکاران (۲۰۰۱) تحقیقی تحت عنوان مقایسه ی بازدهی آبیاری قطره ای، بارانی و سطحی برای کشت پیاز در ایالت نیومکزیکو، آمریکا انجام دادند که هدف عمده ی آن تعیین بازدهی آبیاری، بازدهی مصرف آب آبیاری تحت شرایط آبیاری قطره ای، بارانی و سطحی برای کشت پیاز با مقادیر مختلف احتمالی تولید بود. حداکثر میزان بازدهی آبیاری و بازدهی اقتصادی برای آبیاری بارانی در مرکز تحقیقات دانشگاه ملی در فارمینگتون به میزان ۵۴٪ تا ۸۰٪ به دست آمد، و برای

با در نظر گرفتن عواملی چون تلفات تبخیر، باد، تلفات نفوذ عمقی، و رواناب در سامانه های آبیاری بارانی، قطره ای و سطحی اجرا شده در منطقه انجام گردید، اندازه ی بازدهی آبیاری بارانی دورانی ۷۵٪ تا ۸۵٪، سامانه ی رایج ثابت ۶۵٪ تا ۷۵٪، آبفشان غلطان ۶۰٪ تا ۷۰٪، رایج متحرک ۶۰٪ تا ۷۰٪، سامانه ی تفنگی ۵۵٪ تا ۶۵٪ و در سامانه ی قطره ای ۸۵٪ تا ۹۰٪ و میکرو آبپاشها ۷۵٪ تا ۸۵٪ و در سامانه ی آبیاری سطحی نیز میزان بازدهی آبیاری برای آبیاری شیاری ۴۵٪ تا ۶۰٪، و آبیاری کرتی ۶۰٪ تا ۷۰٪ محاسبه شد. خدامرادی و مرادی (۲۰۱۰) ارزیابی بازدهی های توان و واقعی را در سامانه های آبیاری بارانی اجرا شده در سر پل زهاب انجام دادند. نتایج ارزیابی برای فراسنجهای PELQ و AELQ به ترتیب ۷۷/۱۵ و ۵۴/۶۸ به دست آمدند که نشان دهنده ی برخی مشکلات در طراحی، اجرا و بهره برداری از سامانه های آبیاری مورد بررسی می باشد. ارتگا و همکاران (۲۰۰۴) به ارزیابی عملکرد سامانه های آبیاری موضعی در مناطق نیمه خشک کاستیلا در کشور اسپانیا پرداختند. حدود ۱۰۰ سامانه ی آبیاری قطره ای در سراسر منطقه ارزیابی شدند. ارزیابیهای مزرعه ای بر پایه اندازه گیریهای جریانها و فشارها در ۱۶ نقطه ی شاهد، نماینده ی توزیع فشار در زیر واحدها بود. به غیر از زیر واحدهای آزمایشی در بقیه، فشار واحدهای آبیاری قابل استفاده با توجه به نحوه ی کارکرد کلی اندازه گیری شد. در این کار، میانگین نتایج به دست آمده، طرح

می‌یابد. کاپرا و سیکولول (۱۹۹۸) تحقیقی تحت عنوان کیفیت آب و یکنواختی توزیع در سامانه‌ی آبیاری قطره-ای انجام داد. این تحقیق به ارائه گزارشی از بررسی‌هایی می‌پردازد که در مزارع مختلف در خصوص تعدادی از سامانه‌های آبیاری قطره‌ای در جنوب ایتالیا انجام گرفته، وهدف از آن تعیین فراسنجهایی است که نشان دهنده‌ی گرفتگی قطره‌چکانها، و رابطه‌ی بین آنها و کیفیت آب مورد استفاده می‌باشد. نتایج به دست آمده امکان تعیین شاخصهای اجرایی را در مزرعه، که می‌توان از آنها برای ارزیابی انسداد قطره‌چکانها سود جست، و همچنین شاخصهای کیفیت آب را که برای طبقه‌بندی میزان خطر انسداد قطره‌چکانها به کار می‌رود نشان می‌دهد. از این تحقیق می‌توان با تعیین مشخصات تعدادی از قطره‌چکانها، آنها را برای آزمایش در مزرعه، و نیز تبیین رابطه‌ی انسداد و موقعیت قطره‌چکانها در روی لوله‌ی فرعی مورد استفاده قرار داد.

ارزیابی یک سامانه علاوه بر اندازه‌گیری، سودمندی روش آبیاری موجود را نیز نشان می‌دهد. مطالعه‌ی دقیق ارزیابی سامانه می‌تواند اشاره به این نکته نماید که آیا می‌توان سامانه را بهبود بخشید، و همچنین ارائه‌ی دلایل منطقی درانتخاب اصلاحاتی که می‌توانند کارا و قابل توجیه باشد. با توجه به محدودیت‌های منابع آبی و پایین بودن بازده‌ی آبیاری در آبیاریهای سنتی، و نیاز روز افزون به مواد غذایی، مجبور به استفاده از آبهای موجود هستیم. آبیاریهای تحت فشار یکی از راههای

آبیاری قطره‌ای زیر سطحی به میزان ۴۷٪ تا ۷۷٪ حاصل شد که میزان ۴۷٪ نشانه‌ی کاربرد آب بیش از میزان تبخیر و تعرق گیاه و ضعف مدیریتی سامانه بود. میزان بازگشت سرمایه در آبیاری قطره‌ای زیر سطحی با بازده‌ی موجود حدود ۲۹۵ بود، و حتی کاربرد آبیاری قطره‌ای با بازده‌ی ۷۹٪ در یکی از مزارع نتایج یکسانی با آبیاری سطحی داد؛ در نتیجه، نصب آبیاری قطره‌ای در آن منطقه قابل توجیه اقتصادی نبود. بازده‌ی آبیاری سطحی کشت پیاز در منطقه مورد نظر حدود ۷۹٪ تا ۸۲٪ به دست آمد، که علت بالا بودن آن در این روش استفاده‌ی کمتر از نیاز کشاورزان به دلیل محدودیت منابع آبی، و استفاده‌ی مجدد از آب اضافی مزارع جهت آبیاری مزارع پایین دست بود. اسکاگس (۲۰۰۱) تحقیقی تحت عنوان بررسی و پیش‌بینی نتایج استفاده از آبیاری قطره‌ای را در مناطق خشک در ایالت نیومکزیکو انجام داد. در این تحقیق از کشاورزان تولیدکننده فلفل شیمیایی نظر خواهی به عمل آمد تا بتوان دیدگاههای آنها را در خصوص آبیاری قطره‌ای سنجید. نتایج نشان داد که استفاده از آبیاری قطره‌ای سبب افزایش محصول، کاهش آفات و بهبود کیفیت محصول می‌گردد. این تحقیق اطلاعات سودمندی را برای گسترش استفاده از آبیاری قطره‌ای، بخصوص در مناطق خشک و گرم که دارای منابع آبی محدود می‌باشند در اختیار قرار داده و نشان می‌دهد که در مقایسه با سایر روشهای آبیاری، علاوه بر بازده‌ی بالا، گسترش علفهای هرز نیز کاهش

مشکل موجود نه تنها طراحی نادرست بوده ، بلکه بیشتر ضعف مدیریت باعث افزایش تفاوت دو بازده گردد.

۳- بررسی صحت فراسنجهای طراحی

۴- بررسی مسائل و مشکلات اجرایی، و نیز بهره برداری و نگهداری از روشهای مختلف تحت مدیریت موجود بهره برداران در مزارع (برادران هزاوه، ۲۰۰۵).

منطقه ی مورد مطالعه

شهرستان سرباز در جنوب استان سیستان و بلوچستان واقع، و از چهار بخش به نامهای: سرباز، مرکزی (راسک و فیروز آباد)، پیشین و آشار تشکیل گردیده است. از شمال به شهرستانهای ایرانشهر و سراوان، از شرق به کشور پاکستان، از جنوب به شهرستان چابهار، از غرب به شهرستان نیکشهر محدود می گردد. این شهرستان بین نصف النهارهای ۶۰ درجه و ۴۵ دقیقه تا ۶۳ درجه و ۲۰ دقیقه شرقی نسبت به نصف النهار گرینویچ و بین مدارهای ۲۶ درجه تا ۲۷ درجه عرض شمالی واقع گردیده است. آب و هوای منطقه با توجه به اقلیم نمای دومارتن خشک، و با توجه به اقلیم نمای آمبرژه در ناحیه گرم بیابانی می باشد.

مواد و روشها

در این تحقیق ۸ سامانه ی آبیاری قطره ای در شهرستان سرباز مورد ارزیابی قرار گرفتند. در این بررسی از باغهایی که دارای یک نوع آرایش سامانه ی حلقه ای، دو نوع بافت خاک (متوسط و سبک) و دو نوع محصول (انبه و مرکبات) آمار برداری شده است. در جدولهای (و

مؤثر برای استفاده بهینه از منابع آبی محدود می باشد. در این راستا در سالهای اخیر فعالیتهای زیادی در جهت توسعه و کاربرد این روشها صورت گرفته است. شرکتیایی برای تولید وسایل و تجهیزات آبیاری تحت فشار، و نیز شرکتیهای متعددی در زمینه های طراحی و اجرای این روشها تأسیس شده اند. دولت نیز در این زمینه تسهیلات فراوانی را در اختیار کشاورزان قرار داده و طرحهای زیادی در کشور مطالعه و اجرا شده اند.

با توجه به اقلیم خشک و نیمه خشک استان سیستان و بلوچستان، و کمبود منابع آبی در آن جا، طرحهای آبیاری تحت فشار از نوع سامانه ی قطره ای در سطح استان به مرحله اجرا در آمده و جا دارد که به منظور بررسی نقاط قوت و ضعف سامانه ها به بررسی و ارزیابی عملکرد آنها پرداخته شود. در واقع، هدف از ارزیابی سامانه های آبیاری به شرح زیر بوده است:

۱- تعیین کارایی سامانه شامل بر آورد بازده ی واقعی در مزرعه، به این معنا که بدون هیچ گونه اصلاح و یا با تغییراتی بعد از طراحی و اجرای روش آبیاری ، عملکرد مزرعه چگونه است؛

۲- تعیین حداکثر کارایی سامانه، یا به عبارتی توان عملکرد روش آبیاری در شرایط موجود. هر چه تفاوت بین دو بازده ی محاسبه شده فوق بیشتر باشد ، این مفهوم را بیان میدارد که سامانه ی موجود نتوانسته است به بیشترین بازده ی خود برسد، چه، به نظر می رسد،

۲، دو نمونه از مشخصات سامانه های آبیاری قطره ای مورد ارزیابی قرار گرفته نشان داده شده اند.

به منظور ارزیابی سامانه های مورد نظر ابتدا اطلاعات اولیه نظیر پستی و بلندی، مشخصات منابع تأمین آب و سامانه ی تصفیه، لوله های اصلی، چندراهه ها و لوله های جانبی و مشخصات قطره چکانها، شیرهای قطع و وصل و نقشه‌ی جزئیات اتصالات جمع آوری گردید. مرحله بعدی اندازه گیری فراسنجهای ارزیابی در مزرعه و شامل ۳ مرحله ی زیر بود:

۱- اندازه گیری فراسنجهای خاک که شامل بافت خاک (به روش آبسنجی و استفاده از مثلث بافت خاک)، جرم حجمی خاک، رطوبت خاک قبل از آبیاری به منظور تخمین کمبود رطوبتی خاک (SMD)، رطوبت خاک در ظرفیت زراعی (FC) و مساحت خیس شده اطراف هر گیاه.

جهت اندازه گیری بافت خاک حداقل ۲ نمونه از خاک مزرعه برداشت شد و به روش هیدرومتری درصد شن، لای و رس آن تعیین گردید و با استفاده از مثلث بافت خاک نوع بافت مشخص شد.

با استفاده از استوانه ی نمونه برداری، و نمونه برداری از خاک خشک و با مشخص بودن حجم نمونه ی خاک و وزن خاک خشک شده جرم مخصوص ظاهری خاک محاسبه گردید. رطوبت خاک نیز به روش وزنی تعیین شد.

جهت تخمین SMD^۲ نمونه خاک قبل از آبیاری برداشت شد. جهت تخمین حد ظرفیت مزرعه (FC) نمونه خاک از نمونه هایی که قبلاً آبیاری شده بود (مثلاً ۸ ساعت بعد از آبیاری یا ۱۶ و ۲۴ ساعت بعد آن) برداشت شد و رطوبتی که در حد ثابتی بود به عنوان FC در نظر گرفته شد.

۲- اندازه گیری فراسنجهای گیاهی که شامل نوع، سن، فواصل درختان، عمق توسعه ریشه و درصد سایه انداز جهت محاسبه تبخیر و تعرق بود. برای اندازه گیری این فراسنجهای در ابتدا یکی از چندراهه های در حال کار انتخاب گردید. چهار لوله ی آبدی بر روی این چندراهه ها به ترتیب در ابتدای چندراهه، در یک سوم فاصله از چندراهه، در دو سوم فاصله از چندراهه و در انتهای آن انتخاب شد. سپس بر روی هر یک از لوله های مزبور ۴ درخت به ترتیب در ابتدا، یک سوم، دو سوم و انتهای لوله آبدی انتخاب گردید. بدین ترتیب، ۱۶ درخت انتخاب، سپس مساحت سایه انداز آنها اندازه گیری شد. با تقسیم مساحت سایه انداز بر حاصل ضرب فواصل درختان درصد سطح سایه انداز محاسبه گردید.

². Soil moisture deficit

جدول ۱- مشخصات سامانه AB1.

۵	ساعت آبیاری	میکرو فلاپر MF1	نوع قطره چکان
مرکبات	نوع گیاه	حلقه	آرایش
۶×۶	فاواصل درختان (m*m)	۱۰۰	فاواصل قطره چکان (cm)
۹	تعداد چندراهه	۵	تعداد قطره چکان در گیاه
۲	تعداد قطعه	۶۶	طول لوله ی جانبی (m)
۴/۵	سطح سایه انداز (m ²)	۱۶	قطر لوله ی جانبی (mm)
۱۲/۵	درصد سایه انداز	۲	دور آبیاری (day)

جدول ۲- مشخصات سامانه AC1.

۳	ساعت آبیاری	میکرو فلاپر MF1	نوع قطره چکان
انبه	نوع گیاه	حلقه	آرایش
۷×۷	فاواصل درختان (m*m)	۱۰۰	فاواصل قطره چکان (cm)
۲	تعداد چندراهه	۵	تعداد قطره چکان در گیاه
۱	تعداد قطعه	۶۶	طول لوله ی جانبی (m)
۰/۳۳	سطح سایه انداز (m ²)	۱۶	قطر لوله ی جانبی (mm)
۰/۶۸	درصد سایه انداز	۱	دور آبیاری (day)

خروجی به دست آمد. از حجمهای به دست آمده متوسط بده ی قطره چکانها و یکنواختی انتشار محاسبه شد. حداقل فشار ورودی چندراهه مورد آزمایش تعیین گردید. برای چندراهه های دیگر و در حال کار نیز مقدار MLIP (حداقل فشار ورودی لوله ی جانبی در مسیر چندراهه) اندازه گیری شد. تا عاملهای ERF (عامل کاهش بازده) و DFC (عامل تصحیح بده) تعیین شود. در طول آزمایش گرفتگی قطره چکانها مورد بررسی قرار گرفت. همچنین، نحوه ی کارکرد سامانه ی تصفیه بررسی و میزان افت صافیها بررسی گردید. فراسنجهای آبیاری نظیر مدت ودور آبیاری از آبیاری سامانه پرسیده شد، و

۳- اندازه گیری های مربوط به سامانه ی آبیاری که شامل تعیین بده ی قطره چکانها، فشار و یکنواختی توزیع آب قطره چکانها بود. برای هر ۱۶ درخت، دو قرائت بده انجام شد. فشار آب در ابتدای چهار لوله ی آبدی انتخابی اندازه گیری شد. به این ترتیب که لوله ی آبدی از محل بست ابتدایی خارج، فشار سنج از طریق یک سه راه به ابتدای لوله ی آبدی متصل، و میزان فشار قرائت شد. فشار در انتهای لوله آبدی نیز با خارج کردن بست انتهایی و اتصال فشار سنج به انتهای آن قرائت گردید. از انجام مراحل فوق ۸ فشار در ابتدا و انتهای لوله ی آبدی، و ۳۲ حجم آب در محل ۱۶ درخت مختلف برای نقاط

عامل کاهش بازده (ERF)

برای برآورد عامل کاهش بازده، از حداقل فشار ورودی لوله آبدۀ در طول هر چندراهه و در سرتاسر سامانه استفاده می‌شود.

$$ERF = \left(\frac{1.5MLIP_{min} + \overline{MLIP}}{2.5\overline{MLIP}} \right) \quad (۲)$$

MLIP_{min}: کمترین فشار ورودی لوله آبدۀ در کل سامانه (متر)
نسبت بین میانگین بدۀ از هر نقطه‌ی خروجی در چندراهه با حداقل فشار و سامانه حدوداً برابر ERF می‌باشد. (قاسم زاده مجاوری، ۱۹۹۰)

یکنواختی خروج یا انتشار آب (EUs)

یکنواختی ریزش واقعی در مزرعه (EUs) برای تعیین بازده‌ی سامانه و برآورد عمق ناخالص آب آبیاری ضروری است. EUs سامانه تابعی است از یکنواختی ریزش در ناحیه مورد آزمایش و تغییرات فشار در سرتاسر سامانه. وقتی داده‌های آزمایشی بدۀ ی قطره چکان تنها مربوط به یک چندراهه است، EUt آزمایش از رابطه‌ی زیر محاسبه می‌گردد.

$$EU_t = (q_n / q_{avg}) * 100 \quad (۳)$$

EU_t: یکنواختی ریزش قطره چکان‌ها در ناحیه‌ی چندراهه مورد آزمایش (درصد)
q_n: بدۀ ی ربع پایین قطره چکانها در ناحیه‌ی چندراهه مورد آزمایش (لیتر بر ساعت)

خصوصیات قطره چکانها، لوله‌های آبدۀ، لوله‌های چندراهه و لوله‌های اصلی و مرکز تنظیم نیز یادداشت گردید.

پس از جمع‌آوری اطلاعات حاصل از اندازه‌گیری مزرعه‌ای با استفاده از روشها و روابط زیر که روش SCS می‌باشد، فراسنجهای فراسنجهای ضریب یکنواختی کریستیان سن (CU)، یکنواختی توزیع (DU)، یکنواختی خروج آب از قطره چکانها در ربع پایین (EU)، میانگین عمق آب کاربردی، حجم آب مصرفی برای هر درخت، بازده‌ی توان کاربرد آب در ربع پایین (PELQ) و بازده‌ی واقعی کاربرد آب در ربع پایین (AELQ) محاسبه گردید (قاسم زاده مجاوری، ۱۹۹۰؛ کلر، ۱۹۷۹)

عامل تصحیح بدۀ (DFC)

مقدار عامل تصحیح بدۀ از رابطه‌ی زیر محاسبه گردید. (قاسم زاده مجاوری، ۱۹۹۰):

$$DFC = \left(\frac{2.5 \overline{MLIP}}{\overline{MLIP} + 1.5MLIP_t} \right) \quad (۱)$$

MLIP: حداقل فشار ورودی لوله آبدۀ در طول چند راهه (متر)

\overline{MLIP} : متوسط مقادیر اندازه‌گیری شده $MLIP$ (متر)

MLIP_t: حداقل فشار ورودی لوله آبدۀ در طول چندراهه در حال آزمایش (متر)

ERF: عامل کاهش بازده
 ضوابط عمومی مقادیر EUs برای سامانه ی آبیاری قطره ای، که کارکردی برابر یکسال یا بیشتر داشته باشد، مطابق جدول ۳ است. (قاسم زاده مجاوری، ۱۹۹۰)

q_{avg} : بدهی متوسط کل قطره چکانها در ناحیه ی چندراهه مورد آزمایش (لیتر بر ساعت)
 با توجه به عامل کاهش بازده، ضریب یکنواختی انتشار سامانه ی EUs از رابطه زیر محاسبه شد:

$$EUs = ERF * EU_t \quad (۴)$$

Eus: یکنواختی ریزش در سامانه ی آبیاری قطره ای (درصد)

جدول ۳-توصیف بازده ی سامانه بر مبنای یکنواختی ریزش سامانه.

نحوه ی عملکرد سامانه	یکنواختی ریزش سامانه
عالی	>۹۰٪
خوب	٪۸۰-٪۹۰
نسبتاً خوب	٪۷۰-٪۸۰
ضعیف	<٪۷۰

T_a : زمان آبیاری (ساعت)

Aw: سطح خیس شده هر درخت (متر مربع)

میانگین کل عمق کاربردی کل سطح پوشش گیاه را می توان از طریق جایگزین کردن $Sr * Sp$ به جای Aw در معادله ی بالا به دست آورد. که در آن:

Sp: فاصله درختان در هر ردیف (متر)

Sr: فاصله ردیفهای بین درختان (متر)

حجم آب ناخالص دریافتی روزانه هر درخت

میانگین حجم آبی که روزانه هر درخت دریافت می کند از رابطه ی زیر به دست آمد:

$$G = (N * q_a * T_a) / F_i \quad (۶)$$

میانگین عمق آب کاربردی

میانگین عمق کاربرد آب در هر آبیاری که برای خیس کردن مساحتی از زمین به کار می رود از رابطه ی زیر محاسبه شد:

$$D_{aw} = (N * q_a * T_a) / A_w \quad (۵)$$

D_{aw} : متوسط عمق آب پخش شده در هر آبیاری در ناحیه ی خیس شده (میلیمتر)

q_a : متوسط بدهی اندازه گیری شده (لیتر در ساعت)

N: تعداد قطره چکان برای هر درخت

نیاز خالص آبیاری (In)

نیاز خالص آبیاری در آبیاری قطره‌ای از رابطه‌ی زیر به دست می‌آید (اداره کل توسعه روشهای آبیاری تحت فشار، ۱۹۹۷)

$$In = T_d - R + Lr \quad (۸)$$

In: نیاز خالص آبیاری روزانه (میلیمتر)

T_d : تعرق متوسط روزانه (میلیمتر)

R: بارندگی مؤثر روزانه (میلیمتر)

Lr: نیاز آبشویی روزانه (میلیمتر)

بازده‌ی واقعی کاربرد ربع پایین (AELQ)

بازده‌ی کاربرد کمترین ربع، که AELQ نامیده می‌شود، نشان دهنده این است که یک سامانه‌ی آبیاری در مزرعه تا چه اندازه خوب کار می‌کند. در آبیاری قطره‌ای بازده‌ی واقعی چارک پایین کاربرد آب را به صورت زیر تعریف می‌کنند:

$$AELQ = EU_t * ERF \quad (۹)$$

بازده‌ی توان کاربرد ربع پایین (PELQ)

در ارزیابی سامانه‌ی آبیاری قطره‌ای، مفهوم PELQ باید دگرگون گردد، زیرا در این روش تنها بخشی از مساحت خاک خیس می‌شود، و حداقل عمق برابر صفر است. به علاوه، چون در آبیاری قطره‌ای تنها بخشی از حجم خاک خیس می‌شود، باید SMD را دائماً جبران کرد. البته تخمین دائمی SMD قدری مشکل است، زیرا بخشی از خاک خیس شده منطقه ریشه دائماً در حدود

G: متوسط حجم آبی که روزانه هر درخت دریافت می‌کند (لیتر در روز)

N: تعداد قطره چکانهای هر درخت

q_a : متوسط بده‌ی اندازه‌گیری شده (لیتر بر ساعت)

T_a : تعداد ساعات کارکرد در هر آبیاری

$In = T_d - R + Lr$
 F_i : دور آبیاری (روز)

محاسبه‌ی نیاز آبی

مقدار تعرق روزانه در آبیاری قطره‌ای، که برابر نیاز آبی گیاه فرض می‌شود، تابعی از سطح سایه انداز گیاه و تبخیر- تعرق واقعی است. شبیه‌های ساده‌ای به وسیله‌ی محققین مختلف ارائه شده‌اند که از آن جمله می‌توان به رابطه‌ی زیر اشاره کرد، که از آن برای محاسبه‌ی حداکثر تعرق گیاه در سامانه قطره‌ای استفاده شد (اداره کل توسعه‌ی روشهای آبیاری تحت فشار، ۱۹۹۷):

$$T_d = \mu_d \{ (P_s + 0.15(1 - P_s)) \} \quad (۷)$$

T_d : تعرق روزانه در آبیاری قطره‌ای که فقط بخشی از

زمین آبیاری می‌شود در دوره‌ای که نیاز آبی به حداکثر

مقدار خود می‌رسد (میلیمتر در روز)

μ_d : تبخیر و تعرق واقعی (میلیمتر در روز)

P_s : درصد سایه انداز (اعشاری)

x : متوسط مقدار جمع شده آب در ظرفهای اندازه گیری.

علاوه بر ضریب CU معیار دیگری به نام DU یا یکنواختی توزیع نیز مورد استفاده قرار می گیرد که نمایه ای از چگونگی یکنواختی توزیع آب در مزرعه می باشد. مقدار DU برابر است با :

$$DU = 100 \times \left(\frac{\bar{x}_{1q}}{\bar{x}} \right) \quad (13)$$

که در آن :

\bar{x} : متوسط مقادیر اندازه گیری شده عمق نفوذ آب؛

\bar{x}_{1q} : متوسط چارک پایین اندازه گیری شده عمق نفوذ

آب.

نتایج و بحث

در جدولهای ۴، ۵ و ۶ فراسنجهای ارزیابی محاسبه

شده برای سامانهها ی مورد آزمایش آورده شده اند.

میانگین سطح خیس شده در سامانه های مورد ارزیابی بسیار پایینتر از مقدار توصیه شده برای مناطق خشک و نیمه خشک ($0.33 < PW < 0.66$) بوده و از $7/31\%$ در سامانه ی AB2 تا $1/8\%$ در سامانه ی AG1 متغیر بوده است. توصیه می شود برای افزایش سطح خیس شده در سامانه ی AB2، با توجه به سبک بودن بافت خاک، با افزایش فاصله قطره چکانها سطح خیس شده را تا حدی افزایش داد. همچنین می توان حلقه های آبیاری را در فاصله ی دورتری از درخت قرار داد. در سامانه ی AG1 به منظور افزایش سطح خیس شده با توجه به سبک بودن بافت خاک، بایستی حلقه ی لوله ها

ظرفیت زراعی باقی می ماند، حتی اگر فاصله ی بین دو آبیاری به چندین روز برسد؛ لذا، باید نوعی ضریب اطمینان را اعمال نمود. به عنوان یک قاعده ی کلی، نقاطی از مساحت زمین که کمترین آب را دریافت می کنند، باید حدوداً با ده درصد آب بیشتری از تبخیر-تعرق، و یا SMD تخمینی آبیاری کرد. در نتیجه، برای سامانه ی آبیاری قطره ای، PELQ برابر است با(قاسم زاده مجاوری، ۱۹۹۰):

$$PELQ_t = 0.9 * EU_t \quad (10)$$

$$PELQ_s = 0.9 * EU_t * ERF \quad (11)$$

PELQ_t: بازده ی توان کاربرد ربع پایین آزمایش

PELQ_s: بازده ی توان کاربرد ربع پایین سامانه

ERF: عامل کاهش بازده

ضریب یکنواختی DU و CU

یکنواختی کاربرد آب در مزرعه معیاری است که براساس آن می توان مشخص کرد که آب چگونه در سطح مزرعه پخش شده است. اگر مقدار آب خارج شده از هر قطره چکان را ملاک توزیع آب در سطح مزرعه بدانیم، ضریب یکنواختی برابر خواهد بود با :

(۱۲)

$$CU = 100 \left[1 - \left(\sum |d| / n\bar{x} \right) \right]$$

$$d = |x_i - \bar{x}|$$

CU: ضریب یکنواختی؛

n: تعداد نقاط اندازه گیری شده؛

در فاصله دورتری از درخت قرار گیرند؛ همچنین، زمان آبیاری از یک ساعت به ۶ ساعت افزایش یابد. با توجه به نتایج این تحقیق، استفاده از قطره چکانهای با بده بیشتر از ۸ لیتر بر ساعت توصیه نمی‌گردد. با افزایش فاصله‌ی قطره چکانها در صد مساحت خیس شده کاهش می‌یابد. براساس نتایج این مطالعه آرایش دو ردیفه دارای درصد خیس شده‌ی بیشتری نسبت به درصد آرایش‌های یک ردیفه و متمرکز است، و درصد خیس شده در آرایش متمرکز و یک ردیفه یکسان است. همچنین، با توجه به نتایج حاصله از روابط بین درصد سطح خیس شده‌ی متوسط، و سطح خیس شده در سطح خاک به دست آمده، و نهایتاً برای خاکهای مورد مطالعه جداولی تهیه گردید که برای بده‌ها و فواصل مختلف بین ردیف درختان می‌توان درصد سطح خیس شده را تخمین زد.

تغییرات فشار در چندراهه‌ها در سامانه‌های $AB1, AC1, AW1, AW2$ و $AG2$ در حد تغییرات مجاز (کمتر از ۲۰ درصد) و در سامانه‌های $AB2, AC2, AG1$ بیشتر از حد مجاز بوده است. این مقدار در سامانه‌ی $AG1$ ، ۳۳٪ بوده که به دلیل نصب لوله‌های چندراهه در طول شیب، تغییرات فشار در ابتدا و انتهای چندراهه زیاد می‌باشد. تغییرات فشار در سامانه‌ی $AC2$ ، ۴۲/۸۵٪ بود که نشانگر توزیع بسیار متغیر فشار در چندراهه‌ها می‌باشد. اولین اقدام در این سامانه تنظیم شیر فلکه‌ی چندراهه هاست بطوری که تغییرات فشار در لوله‌ها متعادل گردد.

در سامانه‌های $AB1$ و $AB2$ آبیاری در حد نیاز گیاه انجام نشده، ولی عمق آبیاری، به دلیل این که نسبت به سطح خیس گردیده‌ی محاسبه شده، بیشتر از کمبود رطوبتی خاک به دست آمده است. مسأله‌ی مزبور نباید این توهم را ایجاد کند که آبیاری در حد کافی انجام شده است. توصیه می‌شود در این سامانه‌ها با کاهش دور آبیاری، ضمن کاهش عمق آبیاری با افزایش دفعات آبیاری حجم آبیاری افزایش پیدا کند تا نیاز آبی رفع شود. در سامانه $AW1$ آبیاری بیش از نیاز گیاه انجام شده و تلفات عمقی در این سامانه وجود دارد، بنابراین، بایستی زمان آبیاری کاهش یابد. در بقیه‌ی سامانه‌ها، آبیاری به اندازه کافی انجام نگرفته است تا کمبود رطوبتی خاک و نیاز آبی گیاه را جبران کند.

طبق تعریف SCS، در صورتی که یکنواختی خروج آب از قطره چکانها در کل سامانه کمتر از ۷۰٪ باشد عملکرد سامانه آبیاری ضعیف توصیف می‌گردد. در سامانه‌ی $AG1$ ، فراسنج فوق کمتر از ۷۰٪ و سامانه دارای عملکرد ضعیف، در سامانه‌ی $AC2$ ، تقریباً برابر با ۷۰٪ و سامانه دارای عملکرد متوسط، و در سامانه‌های $AB1, AB2, AW1, AW2$ و $AG2$ بیشتر از ۷۰٪، و سامانه‌ها دارای عملکرد خوبی بودند.

یکی از دلایل پایین بودن یکنواختی توزیع سامانه در سامانه‌های $AG1$ و $AC2$ پراکندگی بده‌ی قطره چکانها نسبت به متوسط بده‌ی آنها می‌باشد. بطور مثال، در سامانه‌ی $AG1$ ، متوسط بده‌ی قطره چکانها ۳/۸۲ لیتر

توزیع غیر یکنواخت آب در سامانه به دلیل تغییرات فاحش فشار بود. همچنین در این سامانه، مدیریت خوبی اعمال نمی شد. در این سامانه برای افزایش بازده، علاوه بر کاهش دور آبیاری، تنظیم فشار در لوله ها و تنظیم تغییر فشار توصیه می گردد. حداکثر مقادیر فوق مربوط به سامانه ی AB1 می باشد که در آن، با توجه به توزیع یکنواخت فشار و عدم گرفتگی قطره چکانها باعث شده که سامانه از بازده ی خوبی برخوردار گردد.

در ساعت، و دامنه ی تغییرات آن از ۲/۷ تا ۵/۲۲ لیتر در ساعت بود. در شکل های (۱) و (۲)، تغییرات بده ی قطره چکانها در طول لوله های جانبی چندراهه مورد آزمایش سامانه های AG1 و AC2 نشان داده شده است. بطور متوسط، یکنواختی انتشار آب و بازده ی توان کاربرد ربع پایین در سامانه های آبیاری قطره ای ۷۶/۵ و ۶۸/۶۶ درصد، و بازده ی واقعی کاربرد ۷۲/۶ درصد تعیین گردید. حداقل مقادیر فوق مربوط به سامانه ی AG1، و دلیل آن

جدول ۴- خلاصه فراسنجهای ارزیابی سامانه های آزمایشی آبیاری قطره ای.

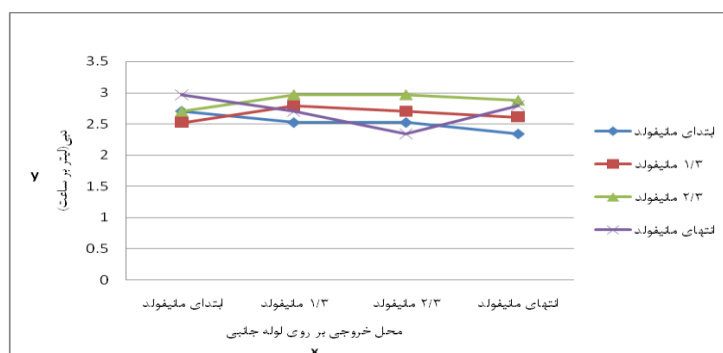
فراسنج کد سامانه	متوسط بده قطره چکانها (lit/hr)	میانگین مساحت خیس شده (%)	حجم آب کاربردی (lit)	نیاز آبی (lit)	ضریب تصحیح بده DFC	عامل کاهش بازده (%) ERF
AB1	۵/۰۵	۴/۹	۱۲۶/۲۵	۱۶۴	۰/۹۴	۹۸/۱۳
AB2	۵/۰۸	۷/۳۱	۲۰۳/۲	۸۸/۸۵	۰/۸۸	۹۳/۸۱
AC1	۴/۹۱	۲/۳۲	۷۳/۶۵	۸۹/۷۱	۰/۸۷	۹۶
AC2	۲/۶۸	۳/۹۵	۲۶/۸	۱۵۲/۳۴	۰/۹۶	۸۲
AW1	۵/۰۲	۴/۰۵	۱۷۵/۷	۱۴۰	۱/۰۵	۹۴/۵۹
AW2	۴/۱۱	۳/۸۸	۲۱/۲۵	۸۸/۷۸	۰/۹۹	۹۷/۹
AG1	۳/۸۲	۲/۵۸	۱۹/۱	۱۳۰/۶۲	۰/۸۶	۸۵/۰۱
AG2	۵/۳۷	۱/۸۳	۲۶/۸۵	۱۳۸	۰/۹۸	۹۶/۶

جدول ۵- ادامه ی جدول ۴.

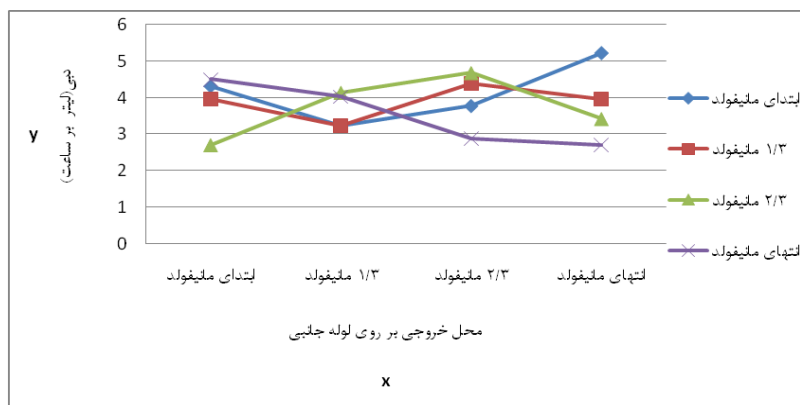
فراسنج کد سامانه	DU (%)	CU (%)	EUt (%)	EUs (%)	PELQt (%)	PELQs (%)	AELQ (%)
AB1	۹۱/۸۸	۹۴/۸۸	۹۱	۸۹	۷۴/۸۳	۷۳/۴۳	۸۹
AB2	۹۱/۷۳	۹۴/۷۸	۹۱	۸۴	۷۴/۶۵	۷۰/۰۳	۷۰/۰۳
AC1	۹۳	۹۵	۹۳	۸۹	۷۶/۵	۷۳/۴۴	۸۹
AC2	۹۰/۶۷	۹۴/۱۲	۹۰	۷۳	۷۸/۳	۶۴/۱۲	۷۳
AW1	۹۴/۳۷	۹۶/۴۵	۹۴	۸۸	۷۶/۸۹	۷۲/۷۳	۷۲/۷۳
AW2	۸۷/۷۶	۹۲/۲۸	۸۷	۸۴	۷۲/۸۸	۷۰/۶۹	۸۴
AG1	۷۵/۳۹	۸۴/۴۹	۷۵	۶۴	۶۳/۱۸	۵۳/۷۱	۶۴
AG2	۹۱/۳۴	۹۴/۵۴	۹۱	۸۷	۷۳/۶۲	۷۱/۱۶	۸۷
حداکثر	۹۴/۳۷	۹۶/۴۵	۹۴	۸۹	۷۸/۳	۷۳/۴۴	۸۹
حداقل	۷۵/۳۹	۸۴/۴۹	۷۵	۶۴	۶۳/۱۸	۵۳/۷۱	۶۴
میانگین	۸۹/۵۱	۹۳/۳۱	۸۹	۷۶/۵	۷۳/۸۵	۶۸/۶۶	۷۲/۶

جدول ۶- تغییرات فشار در سامانه های آزمایشی آبیاری قطره ای.

فراسنج کد سامانه	اختلاف فشار در صافیها (m)	میانگین حداقل فشار چندراهه ها (m)	تغییرات فشار در چندراهه ها (%)	میانگین فشار در لوله های جانبی (m)
AB1	۲/۱	۱۵/۴۶	۱۲/۷	۱۸/۲۴
AB2	۱/۲	۱۶/۴۷	۳۱/۲۲	۲۲/۳۳
AC1	۲/۵	۱۵/۵	۶/۲۵	۱۷/۲۵
AC2	۱/۳	۱۲	۴۲/۸۵	۱۴/۷۵
AW1	۱/۴	۱۵	۴/۲	۱۶/۶۱
AW2	۰/۸۶	۱۴/۶۷	۱۱	۱۵/۳۱
AG1	۲/۵	۵	۳۳	۶
AG2	۰/۹	۱۷/۶۶	۱۰/۵	۲۰/۵



شکل ۱- تغییرات بده ی قطره چکانهای واقع بر لوله های جانبی چندراهه بلوک آزمایش AC2.



شکل ۲- تغییرات بده ی قطره چکانهای واقع بر لوله های جانبی چندراهه مورد آزمایش AG1.

نتیجه گیری

در طرحهای مورد بررسی گرفتگیهای کمی به چشم می خورد. شن، ماسه و ذرات ریز و یا موجودات زنده موجود در آب مانند جلبکها عوامل انسداد قطره چکانها بودند. در بعضی سامانه ها، به دلیل پوشیده نبودن چاه، برگ درختان و مواد دیگر وارد چاه گردیده و منجر به گرفتگی سامانه می شدند. برخی فشار سنجهای واحد مرکزی در طرحهای AC1 و AC2 خراب، دقت آنها بسیار پایین، و در نتیجه و غیر قابل اطمینان بودند. از آن جا که، فشار سنجها معمولاً خیلی زود دقت خود را از دست می دهند، لازم است مرتباً مورد تنظیم قرار گیرند. عدم توزیع یکنواخت فشار در زیر واحدهای مختلف آبیاری مشکلی است که بطور جدی در غیر یکنواختی توزیع آب مؤثر می باشد. گاهی تا بیش از ۴۲/۸۵ درصد تغییرات فشار در شبکه اندازه گیری شد، در حالی که حداکثر تغییرات مجاز ۲۰ درصد می باشد. شیر فلکه هایی که در ابتدای هر چندراهه قرار داشتند از نوع دستی بوده، و با توجه به این

که کشاورز و خانواده آن اقدام به روشن کردن سامانه می کردند و شخص خاصی عهده دار این مسؤولیت نبود. شیر فلکه ها به اندازه های مختلف باز می شدند، که این کار باعث اختلاف فشار در سامانه می گردید. در سامانه های آبیاری قطره ای موجود میزان فشار فقط در ابتدای سامانه تنظیم می شد و در قسمتهای دیگر تنظیمی برای فشار صورت نمی گرفت. در بعضی از طرحها مشاهده شد که نشت از اتصالات وجود دارد؛ در برخی موارد، لوله ها از محل اتصال جدا شده، آبیاری هم به آن توجهی نکرده، و آب هدر می رفت. امکانات و اطلاعات فنی بهره برداری و نگهداری از سامانه ها پایین بوده و نظارت و پیگیری از جانب مسؤولان انجام نمی گرفت.

در بعضی سامانه ها آبیاری بیش از حد نیاز صورت گرفته و در نتیجه تلفات عمقی آب در آنها وجود داشت. در حالی که در گروهی دیگر از سامانه ها مقدار آب آبیاری به مراتب کمتر از نیاز آبی بوده و در نتیجه عملاً کم آبیاری ناخواسته صورت می گرفت. بطور کلی می توان

- قطعات آبیاری به نحوی انتخاب گردند که بدهی و فشار در آنها حتی الامکان برابر باشد.

توصیه می‌گردد که فاصله قطره چکانها برای آرایش یک ردیفه و متمرکز در خاکهای با نفوذ پذیری کم و زیاد به ترتیب از ۸۰ و ۶۰ سانتیمتر و برای آرایش دو ردیفه از ۱۰۰ و ۸۰ سانتیمتر تجاوز نکند.

منابع

1. Al-Jamal, M.S., Ball, S., and T. W. Sammis. 2001 Comparison of Sprinkler, Trickle and Furrow Irrigation Efficiencies for Onion Production. Water Management 46(3):253-266.
2. Baradaran Hazaveh, F. 2005. Technical Evaluation of Irrigation Systems in the City of Arak. Master's Thesis, Shahid Chamran University of Ahvaz.
3. Capra, A., and B. Scicolone. 1998. Water Quality and Distribution Uniformity in Drip/ Trickle Irrigation Systems. Agric. Engineering Research. 70(4):355-365.
4. Ebrahimi, H. 2006. Evaluation of Pressurized Irrigation Systems in the Province of Khorasan. 12(3):578-588.
5. Ghasem Zadeh Mojaveri, F. 1990. Evaluation of Irrigation Systems. Publications Astan Quds Razavi.
6. Hanson B. et al, 1995. Field Performanse of Microirrigation System. Proceedings of the Fifth International Microirrigation Congress. April 2-6.
7. Hasan li, A., and A. Sepaskhah. 2000. Evaluation of Drip Irrigation systems

گفت مشکل عمده‌ی سامانه‌های آبیاری قطره‌ای در شهرستان سرباز کم بودن سطح خیس شده به دلیل آرایش نامناسب قطره چکانها، نامناسب بودن عمق آب آبیاری، نامناسب بودن فشار و توزیع غیریکنواخت آن، و پایین بودن دانش و مهارت کاربران سامانه‌های قطره‌ای می‌باشد. لذا جهت بهبود و افزایش کارایی سامانه‌های مورد مطالعه موارد زیر پیشنهاد می‌گردد.

- قبل از اجرای سامانه‌ها نحوه‌ی سرویس، نگهداری و بهره‌برداری از آن را به کشاورزان آموزش دهند.

- با توجه به مساعد بودن منابع آب و خاک و پستی و بلندی اراضی شهرستان سرباز، کشاورزان را تشویق به نصب سامانه‌های قطره‌ای در مزارعشان کرده، و مزارعی نمونه با سامانه‌های قطره‌ای را به منظور آموزش زارعین مورد استفاده قرار دهند.

- بخش ترویج و آموزش وزارت جهاد کشاورزی روشها و مزایای آبیاری قطره‌ای را به کشاورزان آموزش دهد.

- طرحهای در حال اجرا به وسیله‌ی شرکتهای مشاورین تحت نظارت و ارزیابی قرار گیرند.

- بازدید مرتب از قطره چکانها، اتصالات و مشاهده نحوه‌ی کارکرد آنها، و در صورت لزوم تعویض آنها و همچنین شستشوی سامانه و خروج مواد اضافی از لوله‌های جانبی انجام پذیرد

- فشار در ابتدای چندراهها با شیر فلکه دستی بطور دقیق قابل تنظیم نیست، بنابراین، لازم است از شیرهای خودکار، یا شیرهای فشار شکن استفاده شود.

- Agriculture and Natural Resources. 4(2):13-27.
8. Karim zadeh, M., and A. Alizadeh. 2001. Compared to Furrow Irrigation, Sprinkler and Striped Beet Farming. Master's Thesis. Ferdowsi University of Mashhad.
 9. Keller, J. 1979. SCS National Engineering Handbook. Section 15. Chapter 7.
 10. Khodamoradi, G., and S. Moradi. 2010. Evaluate the Efficiency of Power (PELQ) and Real output (AELQ) Sprinkler Irrigation Systems
 12. Office of Pressurized Irrigation Methods. 1997. Basic and Design Criteria Methods of Pressurized Irrigation.
 13. Ortega, J.F., Tarjuelo, J.M. and J.A. de Juan. 2002. Evaluation of Irrigation Performance in Localized Irrigation System of Semiarid Regions (Castilla-La Mancha, Spain): Agricultural Engineering International. 4: 1-17.
 14. Salamat Manesh, GH. 1996. Performance evaluation Drip irrigation systems in the province of Semnan. Master's Thesis. Tehran University.
 15. Salemi, H., and A. Nikooii. 2002. Technical Evaluation - Economic Drip Irrigation Methods in Sugarbeet Common Furrow. Annual Research Report. Agricultural Research and Education Organization. Department (Case Study: Citrus Orchards Darab).
 - Journal of Science and Technology of have been Implemented Sarpolzahab Province. Third National Conference Irrigation and Drainage Network Management. Shahid Chamran University of Ahvaz. 314.
 11. Maleki nezhad, H., and S. Saadatmand. 2010. Performance Evaluation of Drip Irrigation Systems in Yazd. Third National Conference Irrigation and Drainage Network Management. Shahid Chamran University of Ahvaz. 149.
 - of Agricultural Engineering Research Esfahan.
 16. Skaggs, R. K. 2001. Predicting Drip Irrigation use and Adoption in a Desert Region. Agric. Water Management .51:125-142.
 17. Sohrabi, T., Alizadeh, M., Verdinezhad, V., Ababaii, B., Ojaghloo, H., and M. Noori. 2010. Performance Evaluation of Pressurized Irrigation Systems Qazvin Irrigation Network. Third National Conference Irrigation and Drainage Network Management. Shahid Chamran University of Ahvaz. 160.
 18. Thomas, J. 2003. Irrigation System Evaluation. Published in Drought Advisory (EM 4822). March 2003.